



۲۰۱۴/۰۷/۱۷



جليل غنى

## ارتباط پاکستان در حمله بر میدان هوایی کابل

درین اواخر مخصوصاً از ایامی که کابل سرگرم کشمکش های انتخاباتی است و یک نوع خلای قدرت یا بی تفاوتی دولت موجود که در پایان دوره کاری خود قرار دارد حکمفرماست، موجب آن شده که حملات دهشت افگنان بر نقاط مختلف افغانستان افزایش یابد. سحر گاهان روز پنجشنبه شانزدهم جولای میدان هوایی کابل مورد حمله شش مهاجم قرار گرفت و نبرد بین این مهاجمین و قوای امنیتی افغانستان برای تقریباً پنج ساعت دوام داشت. طالبان مسؤولیت این حمله را مثل سایر حملات مرگبار ادعا کرده اند. دو روز قبل نیز میدان هوایی کابل با راکت مورد حمله قرار گرفت خوشبختانه که در هر دو حمله بر تجهیزات نظامی و طیاره های قوای هوایی مستقر در میدان هوایی آسیبی نرسید و در حمله روز پنجشنبه تنها یک پولیس زخم برداشت و هر شش مهاجمی که بخش نظامی میدان هوایی را هدف قرار داده بودند از پا درآمدند و مثل سایر همقطاران شان درین ماه مبارک رمضان راهی جهنم شدند.

حمله مرگبار سه روز قبل بر ولسوالی اورگون ولایت پکتیکا که گفته می شود گروه دهشت افکن حقانی آنرا در میرانشاه طرح ریزی کرده بود و توسط یک نو جوان پانزده ساله عملی شد، یکی دیگر از حملات دهشت افگنان درین ماه مبارک و به شهادت رسانیدن بیش از هشتاد نفر بی گناه غیر نظامی به شمول زنان و اطفال نمونه دیگری از تعهد دهشت افگنان و حامیان شان، دشمنان سوگند خورده ملت مسلمان افغانستان است که با دستیاری و حمایت بی دریغ استخبارات منطقه مخصوصاً پاکستان در صدد استفاده از موقع برای بی ثبات ساختن هر چه بیشتر افغانستان و بر آورده ساختن امیال شان از هیچ گونه دسیسه، توطئه و تخریب کاری و قتل و دهشت دریغ نمی کنند.

میدان هوایی کابل از تعمیرات نیمه تمام پروژه خانه سازی قصبه و پروژه عربها در شمال میدان هوایی مورد حمله قرار گرفت. درین پروژه کار گران پاکستانی بسر می برند و شش مهاجمی که درین حمله کشته شدند به گفته سخن گوی وزارت داخله به زبان اردو سخن می زدند که نشان می دهد افغان نبودند و پاکستانی بودند.

معلوم نیست که با وصف این همه بیکار و درعین زمان مرد کار که تعدادی یا قاچاقی و یا هم قانونی به ایران و کشور های حوزه خلیج برای کار می روند و تعداد بیکاران در افغانستان هم چهل در صد تخمین می شود، باز هم چرا کارگر از پاکستان استخدام می شود و برای مردم بومی این سرزمین فرصت پیدا کردن لقمه نان حلال و از راه زحمت کثی داده نمی شود.

دولت افغانستان بار ها و به کرات پس از هر حمله دهشت افگنی می گوید که همه این حملات در پاکستان توسط گروه طالبان و به همکاری دستگاه استخباراتی پاکستان طرح ریزی می شود در غیر آن طالبان ظرفیت و توانایی طرح چنین حملاتی را ندارند. درین تذکرات دو نکته ای مهم نهفته است:

- نخست اینکه طالب دانش و علمیت طرح و تطبیق و وسایل آنرا ندارد و به تنهایی قادر به وارد کردن خسارات و تعیین اهداف نیست و فرمان بردار استخبارات پاکستان است و دستگیر آنرا عملی می سازد.
- دوم اینکه دستگاه استخباراتی نظامی پاکستان (آی اس آی) مستقیماً درین عملیات دخیل است و دهشت افگنانی که دستگیر و یا کشته می شوند هویت آنها نشان می دهد که پاکستانی هستند و شواهد انکار ناپذیر دخالت پاکستان درین عملیات است.

در اوایل دوران حکومت جدید، در حدود ده سال پیش، بیش از یکصد و بیست و پنج هزار پاکستانی در پروژه های مختلف باز سازی و عمرانی بنام کارمند استخدام شده بودند و دولت هم بدون اینکه مانع استخدام خارجیان برای کار گردد، حتی استخدام آنها را تشویق و بدون جواز اقامت در افغانستان اجازه داده بود و دلیل می آورد که افغان ها فاقد مهارت های پاکستانی ها هستند.

همچنان تعداد زیادی از ایران که مهندس و تخنیکر خوانده می شدند در پروژه های مختلف در سر تا سر افغانستان استخدام شده بودند و تا هنوز هم مثل پاکستانی ها بنام های مختلف خود را جا زده اند. اینها کسانی هستند که استخبارات منطقه و گروه های دهشت افکن و دشمن مردم افغانستان آنها را بنام های مختلف با استفاده از بی کفایتی و بی تفاوتی دولتمردان و عدم موجودیت یک پالیسی مشخص اقتصادی و کار یابی در نقاط مختلف و زیر نام های کارگر، متخصص، مهندس، مشاور و اشخاص فنی جا داده شده اند تا در مواقع لازم از آنها برای اهداف مشخص کار گرفته شود. شکی نیست که در بین آنها کسانی هم هستند که واقعاً هدفی جز خدمت ندارند ولی تشخیص چنین اشخاص در وضع موجود مشکل به نظر می رسد. اینکه واقعاً افغانها فاقد مهارت های آنها بودند، چه پاکستانی ها و چه ایرانی ها، مشکل است که بتوان قبول کرد مخصوصاً حالا سیزده سال پس از سقوط نظام طالبی که یقین کامل است افغان های با استعداد هم تجربه و هم تحصیل و تعلیم را درین مدت فرا گرفته اند.

حمله صبح پنجشنبه بر میدان هوایی کابل ثابت ساخت که این به اصطلاح کارگران زحمتکش! در حقیقت حلقه های ارتباطی می باشند که زمینه نفوذ دهشت افکنان را فراهم می سازند. آن مهندسان و تخنیکران هم کار های دیگری غیر از همکاری های تخنیکی دارند که به دولت های متبوع شان خدمت می کنند. ولی جای تأسف است که هنوز هم دولت که هر چه زود تر چند روز دیگر عمر آن به پایان برسد تا یک حکومت ملی به اراده ملت بعد از این همه کشمکش ها تشکیل شود و جلو استخدام آنانیکه به نام کار گر می آیند و اهداف دیگری را تعقیب می کنند بگیرد و مانع نفوذ ارتباطی های گروه های دهشت افکن و آدم کش و دستگاه های استخباراتی منطقه بر نهاد های حکومتی، تشبئات خصوصی، دستگاه های تولیدی و نهاد های مدنی و فرهنگی و اجتماعی افغانستان گردد.

افغانستان در تشکیلات خود وزارتی بنام وزارت کار و امور اجتماعی دارد که مثل وزارت های دیگر فلج و غیر مؤثر بوده و تا کنون مصدر خدمت قابل ملاحظه ای نگردیده و معیار های استخدام و مشخصات کار گران را یا تعیین نکرده و یا هم اگر تعیین کرده مثل همه اقدامات محض بر روی کاغذ است و تطبیق نشده است. جلوگیری از استخدام کارگران خارجی یکی از اهداف عمده چنین دم و دستگاهی باید بوده باشد. همچنان کاریابی برای کارمندان ماهر در داخل و خارج افغانستان هم مثل اینکه کار این وزارت است که یا انجام نداده و یا هم مقررات و پالیسی های آن تطبیق نمی گردد.

وزارت دفاع افغانستان بارها با اعمار شهرک قصبه و پروژه خانه سازی عرب ها در شمال میدان هوایی کابل که موقعیت ستراتیژیک داشته و از نگاه امنیتی تهدید مستقیمی بر میدان هوایی کابل می باشد، اعتراض نموده است ولی قدرتمندان با استفاده از ارتباطات شان با مقامات و یا هم شراکت احتمالی بعضی از مقام ها درین پروژه ها و یا دادن تحفه های نقدی، توانستند به اعمار منازل و شهرک ها درین منطقه ادامه دهند و روز پنجشنبه شاهد نتیجه نا مطلوب چنین سازش کاری ها و استفاده جونی های کسانی بود که در سیزده سال گذشته بجز توجه به منافع شخصی و اقتصادی خود شان به هیچ چیز دیگری نیاندیشیده اند.

یکی دیگر از علل افزایش عملیات دهشت افکنی و جنگهای طالبان، نبود قوای هوایی در قوای امنیتی افغانستان گفته شده است. چنانچه دوام جنگهای ولایت هلمند هم برای یکماه به همین نقیصه نسبت داده می شود. دولت افغانستان در سیزده سال گذشته توجه کمتری به متقاعد ساختن کشورهای کمک کننده به تشکیل قوای هوایی و تربیه پرسونل آن نمود و از تقریباً چهار پنج سال به اینطرف به فکر تربیه پرسونل قوای هوایی گردید که تعدادی در هند و تعدادی هم در کشور های غربی برای تحصیل فرستاده شده اند. از جانب دیگر طوریکه در یکی از نوشته ها از همین قلم تذکر رفت در خواست کمک از قوای هوایی نیروهای بین المللی مستقر در افغانستان در جنگ علیه مخالفین، از طرف آقای کرزی منع گردیده و قوای امنیتی افغان اجازه ندارند از این قوا درخواست حمایت هوایی نمایند که دلیل عمده افزایش حملات و دوام چنین حملات هم نبود حمایت هوایی از قوای امنیتی خوانده شده است.

دیروز گفته شد که افغانستان تا سال ۲۰۱۸ دارای قوای هوایی نیرومند خواهد شد و ناتو موافقه کرده که درین زمینه افغانستان را یاری رساند. آیا نمی شد که همین فشار هشت سال قبل وارد می شد و امروز افغانستان دارای قوای

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

هوائی نیرومندی می بود که زمانی هم از آن بهره مند بود و بعد از سقوط حکومت نجیب و انحلال اردوی نیرومند افغانستان، تجهیزات قوای هوائی هم مثل سایر تجهیزات و سلاح های اردوی افغانستان به تاراج رفت.

مشکل دیگری که افغانستان در آغاز آن قرار دارد، مهاجرت بیش از هشتاد هزار نفر از وزیرستان شمالی بر مناطق جنوبی افغانستان در نتیجه عملیات نظامی دولت پاکستان علیه پایگاه های مخالفین آن دولت درین منطقه است. شکی نیست که اکثریت آنها خانوار های هستند که از بمباردمان ها و حملات قوای پاکستان بر آن منطقه مهاجر شده اند و مستحق هر نوع کمک بشر دوستانه و انسانی هستند و هر فرد افغان مکلف است به قدر توان خود به آنها کمک نماید همان طوری که مردم پاکستان پس از آدم کشی های رژیم تره کی و امین و ببرک و تهاجم قشون سرخ بر افغانستان ملیون ها مهاجر افغان را با آغوش باز استقبال کردند و به مردم افغانستان کمک نمودند. اینکه دولت پاکستان بیشترین بهره را از این مهاجرت مردم افغانستان به آن کشور برد، بحث جداگانه و مفصلی است که از حوصله این مقاله خارج است. ولی شکی نیست که گروه های تخریبکار و دهشت افکن هم با استفاده از این موقعیت گماشتگان شانرا بنام مهاجر به افغانستان فرستاده اند تا بعداً در تطبیق اهداف شوم آنها مورد استفاده قرار گیرند.

افغانستان با تجربه ای که از پاکستان آموخته و امروز آن کشور به حیث لانه دهشت افگنی در جهان شناخته شده و هر کجا یک عمل دهشت افکنانه از شرق میانه تا اروپا و افریقا صورت می گیرد، رد پای آن تا پاکستان کشانیده می شود، موقع ندهد تا این گروه ها و حامیان شان چه تند روان و گروه های پاکستانی هستند و چه عرب و ازبک و ترکمن و تاجک، خاک پاک افغانستان را مرکز طرح و فعالیت های چنان اعمالی قرار دهند. جامعه جهانی یکبار با سقوط دادن رژیم منحط و متحجر طالبی افغانستان را از چنین تهلکه نجات داد و نکند که چند سال بعد باز هم افغانستان مرکز چنان حرکت های قرار گیرد.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ